

حوزه زمان آگاهی



سیدعباس صالحی

بخشی از دغدغه‌های روشن‌فکری حوزوی، تعریف مناسبات «روحانیت» و «زمان» بوده است. عالمان دینی به دلیل حضور مستمر اجتماعی از دیرباز با شرایط و موضوعات زمانه خویش زیست می‌کردند و نسبت به تحولات زمانه خود توجه داشتند. حضور فکری اجتماعی روحانیت در زمان، همواره با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است، به‌ویژه در دوران ناامنی و استبداد که سبب می‌شد تا گروهی از آنان در شرایط بیم‌ناک، راه بقا و تداوم دین‌داری و حوزه‌ها را در فاصله‌جویی از موضوعات فکری - اجتماعی ببینند.

و در فرصت‌های نه چندان دیر، به پاسخ‌های علمی می‌پرداخت؛ اما «حوزه» امروز، در تأخیر زمانی قرار دارد، به پرسش‌ها و شبهه‌ها با ده‌ها سال تأخیر دست می‌یابد. گاه، در توهم فهم سؤال و شبهه قرار می‌گیرد و در حقیقت، دیالوگ با خود می‌کند و به فهم عمیق و مناسب از آن دست نمی‌یابد و گاه تنها با حوزه‌ای از پرسش‌ها و شبهه‌ها رابطه‌ای برقرار می‌کند و با هزاران پرسش و شبهه در دیگر حوزه‌های فکری، نسبتی نمی‌یابد و گاه...

مجموعه این آسیب‌ها (تأخیر زمانی، عدم فهم مناسب سؤال، عدم ارتباط با سؤال‌ها در تمامی حوزه‌های معرفتی و...) موجب آن شده است که حضور حوزه‌های شیعی در فضای فکری زمانه محسوس نباشد، گرچه حاشیه‌هایی جسته و گریخته را می‌توان دید، اما حضور مکتب شیعه را در فضای معرفتی جهانی نمی‌توان دید: «با توجه به این ارتباط سریعی که امروز در دنیاست که هر حرفی، هر فکری، هر منطقی، هر شبهه‌ای، هر راه حلی که در یک گوشه دنیا مطرح بشود، گاهی در ظرف یک روز، یک ماه، به آن طرف دنیا می‌رسد، یا می‌تواند برسد، با این وسائل ارتباط سریعی که وجود دارد، با توجه به این‌ها، باید حوزه‌ای مثل حوزه علمیه قم، برنامه‌ریزی کند، افرادی را آماده داشته باشد برای طرح مسائلی که در دنیای امروز مورد بحث است.»^۲

۳. مباحث تطبیقی: دانش‌های مقایسه‌ای نمایه‌ای از حضور علمی عالمان در فضای علمی زمان است. عالمان شیعی در دوران

مصلحان حوزه و روحانیت، در دو سده اخیر، از دریچه دادوستد با زمان، هشدارهای جدی داده‌اند. آنان معتقدند که حوزه‌های کنونی، با زمانه خود فاصله دارند و در زمانه خود زیست نمی‌کنند و قدرت برون‌آمد از لایه‌های درهم‌تنیده زمانه منسوخ را ندارند. در ادامه نوشتار، به بعضی از این آسیب‌شناسی‌ها می‌پردازیم:

۱. بهره‌وری از روش‌ها و ابزارهای جدید علمی: ابزارها و روش‌های زمان، نمایه روح و دگرگونی‌های زمانه است. دوره‌های تاریخی از عصر شکار و گردآوری، تا دوره صنعتی و فراصنعتی، با تمایز در روش‌ها و ابزارهای علمی زمان، تمایز می‌یابند. برخلاف دگرگونی‌های بسیار، هنوز حوزه‌های دینی در روش‌ها و ابزارهای کهن زیست می‌کنند و با شیوه‌های جدید، نه در آموزش و پژوهش و نه در تبلیغ و عرضه آشنا نیستند. مقام معظم رهبری با طرح این دغدغه یادآور می‌شود: «در دنیایی که تازه‌های ابزاری و ساختاری به دانش‌پژوهان فرصت می‌دهد که تازه‌ترین دستاوردهای ذهن بشر را به سهولت کسب کنند، روا نیست که طالب علم دین، راهی به نوآوری در روش‌های ناقص و معیوب نداشته باشد.»^۱

۲. پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و شبهه‌های زمان: حوزه دیروز، با پرسش‌ها و شبهه‌های زمانه خود درگیر بوده، در این زمینه تأخیر زمانی نداشت، در خلأ فهم و ارتباط نبود، به راحتی به درک سؤال و شبهه دست می‌یافت

را پدیدار ساخته است و انسان جدید را با شکل و مناسبات نوینی طراحی شده، نمایان کرده. مجموعه این دگگونی‌ها، هزاران نیاز و مسئله جدید را پدید آورده است که روحانیت با آن، نسبت روشنی برقرار نمی‌کند. هم در مبادی زندگی جدید و هم در حوزه نیازها و مسئله‌های زندگی مدرن، نیاز به ارتباط و ژرف‌کاوی مناسب است که متأسفانه رخ ننموده‌اند.

۵. تعامل با دانش جدید: حوزه و روحانیت تا قبل از دوره فترت، هاضمه دانش‌پذیر داشت، در جست‌وجوی علم بود، هر چند در «چین» و «ژریا» باشد. این گونه شد که دانش‌های یونانی، مصری، ایرانی، هندی و... در گستره حوزه‌های اسلامی ره یافت و بارور شد، اما عوامل گوناگون، سبب گردید که حوزه‌های اسلامی - شیعی، با دانش جدید، که مهد آن مغرب زمین بود، پیوند و پیوستگی مناسب نجویید و ره تعامل و جذب را نپوید. با آن که فلسفه و دانش یونانی، ایرانی، هندی و... مبادی الحادی و یا شرک‌آمیز آن اندک نبود و دیدگاه‌های ناهمخوان با دین و شریعت آن فراوان بود، اما در هاضمه فکری عالمان اسلامی، که دانشوران شیعی سهم بسزایی در آن داشتند، تبدیل‌سازی شد، اما چنان دادوستدی با دانش جدید غربی برقرار نگشت. دانش‌های طبیعی و ریاضی و انسانی آن سامان، با اقبال روبه‌رو نشد و با نگاهی تکفیری، یا طردآمیز، مورد غفلت و تحقیر قرار گرفت.

حضور، توانستند با گام‌گذاردن جدی در عرصه دادوستد و بده‌وبستان با مکتب‌های فکری زمان، مباحث تطبیقی را سامان دهند. در مباحث فقهی، کلامی، فلسفی و... هزاران اثر آفریدند که با نگرشی تطبیقی، دانش شیعی را با دیدگاه‌های دانشوران و مکتب‌های مطرح زمان، به مقایسه و سنجش درآوردند؛ اما مباحث تطبیقی، در حوزه‌های شیعی، کم‌رنگ است و این، نمایه‌ای دیگر از فاصله زمان حوزه با زمانه فکری است؛ چه این که نه در فقه و دیگر دانش‌های نقلی و نه در دانش‌های عقلی و نه در دانش‌های روشی (چون منطق، رجال و درایه و...) مباحث مقایسه‌ای و تطبیقی، که گامی جدی در سنجش با مکتب‌های فکری زمان باشد، دیده نمی‌شود: «مجموعه‌هایی باید وجود داشته باشد که مطالبی را که ما داریم، به شکل تطبیقی بحث کنند؛ یعنی فقه ما را مقایسه کنند با حقوق رایج دنیا، مباحث فلسفی ما را مقایسه کنند با مباحثی فلسفی رایج عالم، مباحث کلامی ما را مقایسه کنند با مباحث کلامی رایج عالم و این چیزهایی که به عنوان فلسفه دین مطرح می‌شود، ببینند این‌ها نسبت باهم چگونه‌اند، چقدر به هم تعریض و تعرض دارد، چه اندازه باهم ارتباط دارند، چه چیزهایی - عناصری جدیدی - در آن‌ها هست که با آن می‌توان مباحث متعارف و متداول بین ما را تکمیل کرد.»^۳

۴. نیازهای عصری جامعه: زندگی و دگرگونی‌های عصر مدرن، نیازهای نوینی

متأسفانه خلأ اطلاعاتی (و گاه اطلاعات غلط گمراه کننده) در فراراه حوزه و روحانیت قرار دارد و همین کاستی، در روزه‌های اندیشه و تحلیل ایشان آثار مخرب بر جای می‌نهد. در این باره نیز، سخنان مقام معظم رهبری، راه‌گشاست: «حوزه، باید در متن حوادث علمی عالم باشد. شما بدانید و در جریان باشید که مثلاً در مقوله جامعه‌شناسی در دنیا چه نظرات و چه ایده‌هایی هست و چه فکریایی می‌جوشد.»^۵

۷. فهم سیاسی روزآمد: بخش جدی از حضور روحانیت در زمان، به فهم و تحلیل سیاسی حوزه از شرایط سیاسی بین‌المللی و داخلی باز می‌گردد. حوزه و روحانیت، هم در ایفای وظایف علمی و هم در تحقق بخشی رسالت‌های فراعلمی خود، نیاز به شناخت ماهیت و کارکردهای قدرت در جهان کنونی دارد. بدون فهم و تحلیل مناسب از دادوستدهای سیاست با حوزه‌های گوناگون دانش، اقتصاد، امنیت و فرهنگ نمی‌توان به ترسیم چشم‌اندازی از تلاش‌ها، کوشش‌ها و تکاپوهای علمی و فراعلمی حوزه و روحانیت پرداخت.

فهم و علاقه‌های سیاسی روحانیت در دو سده اخیر، در منحنی پرفرازونشیب قرار داشته است. شرایط پرخطر تهاجم روس تزاری به ایران، موجی از آگاهی سیاسی را پدید آورد، رساله‌های جهادیه نگاشته شد، حضور عالمان پیرآوازه را در میدان‌های جهاد در پی داشت و... اما با شکست ایران، به جای

نتیجه این نگرش، آن شد که حوزه‌های دینی نتوانستند با نقطه کانونی تمدن نوین که دانش جدید باشد، پیوندی عالمانه پیدا کنند و دادوستدی دانشی با جامعه‌های علمی جهانی، شکل گیرد. مقام معظم رهبری با نگرشی واقع‌نگرانه، از این کاستی چنین یاد می‌کند: «در حوزه‌های علمی، دروس علم، با پیشرفت‌های جدید راه داده نشد. دنبال این باید گشت که چرا در دهه‌های این قرن و قرون گذشته، فراگرفتن دانش‌های غیردینی - همین علوم رایج، که قبل از این در حوزه‌ها تعلیم و تعلم می‌شد - در حوزه‌ها نیامد. دو عامل مؤثر وجود داشت:

یکی، علمای دینی، علمی را که به وسیله دشمنان دین و کفار می‌خواست ترویج بشود، به چشم بدبینی نگاه و طرد می‌کردند. دوم، همان دشمنان و کفار حاضر نبودند علم را، که در اختیار آن‌ها بود، به داخل حوزه‌های علمیه - که مرکز دین بود - راه و نفوذ بدهند. هر دو از یک‌دیگر گریزان و با یک‌دیگر دشمن بودند.»^۴

۶. اطلاعات به‌هنگام: حوزه و روحانیت، بایستی در جریان دیدگاه‌ها و نظریه‌های روزآمد باشند تا در مقوله‌هایی که نسبتی با مسئولیت، رسالت و وظایف روحانیت پیدا می‌کند، با اطلاعات فرسوده به نقد و تحلیل نپردازند و در غفلت و توهم، به داوری رو نیاورند، بلکه با تجدید و تکمیل مدام داده‌های اطلاعاتی، خود و جامعه علمی پیرامون را روزآمد سازند.

آن که فضای تحلیل، ژرف‌کاوی و علت‌یابی رواج یابد، حوزه‌های شیعی در انزوا و حاشیه سیاسی فرو گلتیدند. این تصویر عام، تداوم یافت تا روند امتیازها و واگذاری منافع ملی به خارجی‌ان، چندان گسترده شد که امتیاز تنباکو مطرح شد و در مخالفت با آن، جنبش موفق تنباکو شکل یافت. توفیق آن جنبش، زمینه‌ساز تکاپوی جدید سیاسی در حوزه و روحانیت شد و این فعالیت‌ها، به نهضت مشروطیت انجامید. اما با ناکامی‌هایی که در آن نهضت رخ نمود، دوباره انزوای سیاسی پدیدار شد و ...

این منحنی پرفراز و نشیب و پیوندها و گسست‌های پیاپی در دو سده اخیر، عامل آن شد که روحانیت شیعی، تا برهه انقلاب اسلامی ایران، نتواند از فهم به هم پیوسته سیاسی نسبت به کانون‌های اقتدار جهانی و عامل‌های اثرگذار سیاسی در عرصه داخلی برخوردار باشد. در نتیجه در موج‌های خاص اجتماعی، پیوندی استوار با عرصه سیاست پیدا کرده و با نخستین ناکامی، عقب‌نشینی داشته و در لایه‌های خود ساخته فرو رفته است.

انزواجویی سیاسی - که چهره غالب بر حوزه‌های دینی بوده است - اثرهای جدی را در حوزه کارآمدی سازمان حوزه و روحانیت بر جای نهاده است: «اگر شما اعلم علما باشید، ولی زمان‌تان را نشناسید، محال است بتوانید برای جامعه اسلامی امروز مفید واقع شوید. اگر ندانیم که استکبار چه کار می‌خواهد بکند و دشمنان ما چه کسانی هستند و از

کجا نفوذ می‌کنند و اگر متوجه نباشیم که در جامعه ما چه می‌گذرد و چه مشکلاتی وجود دارد و علاجش چیست و اگر اطلاع نداشته باشیم که در جبهه‌بندی‌های امروز جهان، چه جایگاهی داریم، نمی‌توانیم نقش واقعی خود را ایفا کنیم.»^۶

۸. جهان‌بینی عصری: دیدگاه‌ها و موضع‌گیری‌های روحانیت، با جهان‌بینی ایشان نسبتی ریشه‌دار دارد. نمی‌توان «فهم» و «تحقق» دین را، که به هدایت و ساماندهی انسان نظر دارد، با متن ریاضی محض هم‌سان دانست، که در خلوت انزواگونه نیز بتوان به آن ره یافت. قرآن و سنت، پرورنده‌ای پایان یافته نیست؛ بلکه متنی در حال گشایش است که با پرس و جواز آن، لایه‌هایی جدید کشف و آشکار می‌شود و لایه‌هایی به کنار می‌رود. این فهم پویا، جز با حضور در زمان و تعامل با پرسش‌های عصر شکل نمی‌گیرد. به گفته شهید مطهری: «فقیه و مجتهد، کارش استنباط و استخراج احکام است، اما اطلاع و احاطه او به موضوعات و به اصطلاح طرز جهان‌بینی‌اش در فتواهایش زیاد تأثیر دارد... اگر فقیهی را فرض کنیم که همیشه در گوشه خانه و یا مدرسه بوده و او را با فقیهی مقایسه کنیم که وارد جریان‌ات زندگی است، این هر دو نفر به ادله شرعی و مدارک احکام مراجعه کنند، اما هر کدام یک‌جور و یک‌نحو به خصوص استنباط می‌کنند.»

تعبیرها و سخن‌های یاد شده و سخنان همانندی که ایشان داشت، اگر به مذاق

حوزه و روحانیت، در فاصله از زمان و زمانه، این مخاطره را دارد که با مخاطب جدید و نسل‌های نو، زبان ارتباطی برقرار نکند و در نتیجه در هدایت و رهبری دینی این نسل، از نقش‌آفرینی جدی بازماند.

۱۰. تأثیر در توسعه اجتماعی: جامعه‌های اسلامی، از جمله ایران، در حال دوران گذار از دوره سنتی به عصر جدید صنعتی هستند. در این دوره حساس، حوزه و روحانیت در شرایط تأخیر فهم زمانی، از اثرگذاری بر شکل و محتوای دوره جدید اجتماعی باز خواهد ماند. بی‌تردید، فرآیند ترقی و توسعه اجتماعی، مسیر خود را خواهد پیمود، اما در صورتی که نهادهای اجتماعی، چونان روحانیت، در انزوا و انعزال از آن قرار گیرند، آینده ساخت و ساز جامعه، آینده‌ای نه بر وفق مطلوب و مراد، بلکه در فضای اقتباس مطلق از تمدن غربی و نظریه‌های وارداتی خواهد بود.

ده نکته‌ای که یادآوری شد، گوشه‌ای از مناسبات و پیامدهای ناگوار تأخیر زمانی حوزه و روحانیت است. گرچه اصلاحات و بهبودهایی رخ داده، اما دگرگونی‌های عصری، چنان پر شتاب است که گام‌های پیموده شده در جبران فاصله‌ها کم‌رونق می‌نماید. به نظر می‌رسد که بایستی دگرگونی‌های اساسی در نگرش‌ها، مدیریت‌ها و ساختارها رخ بنماید تا نهاد روحانیت، پویایی لازم را برای جامعه‌ای متحول پیدا کند.

پیش‌نیازهای «حضور روحانیت در زمان» را در چند مورد می‌توان دید:

سنتی‌گرایان خوش نیاید، اما محورهایی چون اهم و مهم در باب تزام و... را پذیرایند. حال چگونه می‌توان به فهم و اجرای شریعت دل‌بستگی داشت، اما به شرایط زمانی-اجتماعی، که روشنگر و بیان‌کننده موقعیت‌ها و اهمیت‌هایند، بی‌توجه ماند؟ شهید مطهری، در این درباره هم، اظهار نظر واقع‌بینانه‌ای دارد: «فقیه اگر با موضوعات آشنا نباشد، اهمیت‌ها را درک نمی‌کند و وقتی که اهمیت‌ها را درک نکند، بسا هست که روی موضوع کوچک‌تر پافشاری می‌کند و موضوع بزرگ‌تر را از دست می‌دهد. این‌جا، آن‌جایی است که واقعاً به فقها و مجتهدین واجب می‌شود که شرایط زمان را بشناسند. یعنی اهم و مهم‌ها را در زمان‌های مختلف بشناسند. اگر بشناسند، بسیاری از مشکلاتی که امروز طرح می‌شود و واقعاً به صورت یک موضوع مشکل و بن‌بست وجود دارد، از بین می‌رود.»^۷

۹. زبان ارتباطی: واژگان، گویش، ساختار جمله‌ها و... در زبان‌های گوناگون، به واسطه عوامل تمدنی محیطی، در معرض دگرگونی‌ها و دگردیسی‌های سریع قرار دارند. این دگرگونی‌ها در زبان بومی هم جدی است. امروزه، در جامعه ایران، در زبان نسل جوان و نوجوان، دگرگونی‌های شگرف رخ داده است. واژگان و ادبیات ارتباطی، چنان تغییرات تزیید یابنده‌ای دارد که در پاره‌ای از موارد، زبان ارتباطی نسل قبل با نسل جدید، نیازمند ترجمه زبانی است!

به درون و حداکثر حفاظ نسبت به جهان بیرون بوده است. اینک نیاز به آن است که روزه‌های بیشتری در این دیوارهای سربه فلک کشیده، تعبیه شود، تا باب گفت‌وگو، هم‌فکری و هم‌اندیشی با نخبگان، پیوند با نسل‌های نوحاسته، اطلاع‌یابی از رخدادها و دیدگاه‌های علمی و... شکل گیرد. این دریچه‌ها و روزه‌ها را نمی‌توان با خراش‌ها یا پنجره‌های کهنه، پدید آورد. باید معماری نوی حوزه، بر اساس پیوند و پیوستگی، آمدوشد و بده‌وبستان بیشتر و کاری شکل گیرد، تا روحانیت، ساختارهای ارتباطی سازوار با عصر حضور را پیدا کند.

پی‌نوشت:

۱. در دیدار با جامعه مدرسین، ۱۳۷۱/۰۸/۲۴.
۲. در آغاز درس خارج، ۱۳۸۶/۰۶/۲۰.
۳. همان.
۴. ۱۳۶۸/۰۲/۲۹.
۵. فیضیه، ۱۳۷۰/۱۲/۰۱.
۶. حوزه مشهد، ۱۳۶۸/۰۴/۲۰.
۷. مجموعه آثار، اسلام و نیازهای زمان، ج ۲۱، ص ۲۹۲.

الف) دگرگونی‌های بینشی و نگرشی درباره دانش‌ها و روش‌های جدید، پیش درآمد حضور علمی حوزه و روحانیت است. در این زمینه، بایستی از پاره‌ای وسوسه‌ها و وسواس‌ها فاصله گرفت و کنجکاوی بشر را در کشف حقایق کتاب تکوین، قدر شناخت و آن را نمادی از تحقق خلافت انسان بر زمین دانست؛

ب) دگرگونی‌های مهارتی، گام دیگر در فضای حضور زمانی حوزه است. چیرگی بر زبان دوم، دریچه‌ای به حضور فعال‌تر در جهان کوچک؛ اما پیچیده است. فهم و مهارت‌های هنری، گامی برای گسترش حضور است؛ چه این که در دنیای کنونی، زیبایی، نقش و اهمیت موازی در کنار کارآمدی و کارآیی پیدا کرده است. استفاده از روش‌ها و ابزارهای جدید در فضاهای آموزشی، پژوهشی، اطلاع‌رسانی و تبلیغی، امکان حضور در زمان، با ابزارهای زمانه است و...؛

ج) دگرگونی‌های نهادی - ساختاری در حوزه و روحانیت، که این در مسیر زمان آگاهی است. سازمان حوزه، بایستی دریچه‌های بیشتری را برای اطلاع‌یابی از محیط بیرونی و داد و ستد با آن پدید آورد. ساختار معماری سازمان حوزه با نگاهی